



پیروزی نامزد جنبش به‌سوی سوسیالیسم در انتخابات ریاست جمهوری بولیوی، بر ادعای آمریکایی‌ها که «نه سوسیالیسم به قدرت باز خواهد گشت نه اوو به بولیوی» خط‌بلان کشید

مرگ کودتای آمریکایی در بولیوی

امیر تفرشی، کارشناس مسائل آمریکای لاتین در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: مورالس به پشتوانه مردمی‌اش اطمینان داشت



سیدمهدی طالبی

روزنامه‌نگار

آمریکای لاتین، سرزمین کودتاهای دولت آمریکا، یک‌بار دیگر توانست یک دولت کودتایی را کنار بزند و قطار دموکراسی‌اش را در ایستگاه بولیوی بار دیگر وارد ریل مردم کند. در تازه‌ترین انتخابات ریاست جمهوری در بولیوی که توسط دولت روی کارآمده بر اثر کودتای برگزار شد، «لوئیس آرسه» نامزد حزب «جنبش به‌سوی سوسیالیسم (MAS)» و از افراد نزدیک به «اوو مورالس» رئیس جمهور سابق این کشور با کسب اکثریت آرا و فاصله‌ای قابل توجه از نامزد ناکام مورد حمایت غربگرایان پیروز انتخابات شد. این نتیجه درحالی رقم خورده که در ۱۰ نوامبر ۲۰۱۹ مورالس پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، با کودتایی آمریکایی مجبور به استعفا شد و به‌همراه خانواده‌اش ناچار به خروج از کشور و اقامت در مکزیک شد. بسیاری این اقدام او را هوشمندانه می‌دانستند چرا که در صورت برگزاری هر انتخاباتی در بولیوی، رئیس‌جمهور بعدی فردی هم‌سو با مورالس خواهد بود. مورالس در ۱۳ سالی که قدرت را در بولیوی در دست داشت، خدمات بی‌نظیری کرد و توانسته بود جمعیت بومی کشور را از حاشیه‌نشینی و تبعیض خارج کرده و فاصله میان فقر و ثروت را به‌میزان محسوسه کاهش دهد.

انتظار مورالس کمتر از یک‌سال بعد در نیمه‌شب یکشنبه به وقت محلی به پایان رسید؛ جایی که مقام‌های بولیوی رسماً «لوئیس آرسه» وزیر اقتصاد دولت مورالس را به‌عنوان پیروز انتخابات ریاست جمهوری اعلام کردند. در این انتخابات آرسه موفق به کسب ۵۲.۲ درصد از آرای انتخاباتی شد. «کارلوس مسا» رئیس‌جمهور اسبق این کشور و رهبر حزب جامعه مدنی نیز ۳۱ درصد از آرای انتخاباتی را به دست آورد. این فاصله البته غیرقابل باور نبود و پیش از این نظرسنجی‌های پای صندوق‌های رای انتخابات ریاست جمهوری بولیوی نشان داده بود که آرسه با کسب بیش از ۵۲ درصد از آرای پیروز شده است. انتخابات بولیوی تاکنون دویز به‌پهانه‌های گوناگون از جمله شیوع کووید-۱۹ و شکست مذاکرات بین دو جناح سه‌مرتبه به تعویق افتاد تا سرانجام دادگاه عالی انتخاباتی بولیوی به‌صورت یک‌جانبه و بدون رای گیری در پارلمان، ۱۸ اکتبر (۲۷ مهر) رأی‌رایی برگزاری این رویداد مهم سیاسی انتخابات کرد.

در دور قبلی انتخابات ریاست جمهوری بولیوی در سال ۲۰۱۹ نیز نتایجی نزدیک به انتخابات ۲۰۲۰ رقم خورده بود. در دور اول این انتخابات مورالس موفق به کسب ۴۸ درصد از آرا شد درحالی که قیپ وی کارلوس مسا تنها ۳۶ درصد آرا به خود اختصاص داده بود. با برگزاری دور دوم انتخابات، مورالس با کسب ۶۰ درصد آرا پیروز شد. پس از پیروزی او، مخالفان مدعی شدند هر دور انتخابات فاقد وجاهت قانونی بوده و در آن تقلب‌های گسترده‌ای رخ داده است. این ادعا باعث بروز ناآرامی‌های چند هفته‌ای در بولیوی شد. در نهایت معترضان که حمایت مقامات آمریکایی را نیز به‌همراه داشتند، پس از سه هفته اعتراضات خیابانی به خانه مورالس و خواهر وی حمله کرده و این دو خانه را غارت کردند و به آتش کشیدند. با این اقدام غربگرایان فضایی از وحشت در فضای سیاسی بولیوی شکل گرفت به گونه‌ای که برخی مسئولان مهم این کشور به دلیل نگرانی از آسیب رسیدن و کشته شدن خود و خانواده‌شان از سمت‌های خود استعفا کردند. اقدامات ساختارشکنانه غربگرایان در نهایت باعث شد مورالس از مقام خود استعفا کند. بر اساس قانون، پس از استعفا مورالس باید آذربانا سالواتیو، رئیس مجلس سنای بولیوی که هم‌زمانی وی بود رئیس‌جمهور موقت بولیوی می‌شد اما وی به دلیل ترس از دست دادن جان خود و خانواده‌اش حاضر به قبول این مسئولیت نشد و همراه با مورالس به مکزیک رفت تا نایب‌رئیس مجلس سنا که طبق معمول از حزب رقیب انتخاب می‌شود، به ریاست جمهوری برسد. این گونه طرفداران آمریکا برای غلبه بر دموکراسی و هدایت آن در مسیر دلخواه خود با ایجاد ترس علیه خواست مردم بولیوی دست به کودتای خون‌بار زدند. در جریان حوادث پس از کودتای ۲۰۱۹ بولیوی نظامیان غربگرای حامی نایب‌رئیس مجلس سنا ده‌ها تن از طرفداران مورالس را که در اعتراض به کودتای دست به تظاهرات زده بودند به گلوله بستند و ده‌ها تن از آنان را کشتند. اکنون اما برای بار دوم ورق در بولیوی برگشت. با برگزاری انتخابات جدید توسط دولت غربگرایان در بولیوی مشخص شد اما عا‌های آنان نادرست و فاقد هرگونه وجاهتی بوده است.

کارلوس مسا نامزد اصلی غربگرایان در انتخابات‌های ریاست جمهوری بولیوی تقریباً در تمامی دوران سیاسی خود در دو دهه اخیر سیلی از ناکامی‌ها را تجربه کرده است و تنها از حمایت سفیدپوستان ثروتمند و طرفداران خصوصی‌سازی در این کشور بهره می‌برد. گروهی که نهایت قدرت‌شان رای ۳۱ درصدی به وی بوده است. عملکرد فاجعه‌بار مسا در مسئولیت‌های حکومتی سابقه‌بدی در ذهن مردم این کشور برجای گذاشته است. کارلوس مسا از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۵ رئیس‌جمهور بولیوی بوده است. وی تنها پس از ۲۰ ماه ریاست، به دلیل افزایش تظاهرات ضد دولتی، از پارلمان بولیوی خواست با درخواست استعفاش موافقت کند.

بازگشت رهبر محبوب

همزمان با ناکامی دولت کودتاچیان در لاپاز، اوو مورالس رئیس‌جمهور محبوب و سابق این کشور گفته به بولیوی باز خواهد گشت. پیروزی سوسیالیست‌ها و قصد مورالس برای بازگشت به کشورش شکستی بزرگ برای واشنگتن است. آمریکا پس از موفقیت کودتا در بولیوی در پیامی، مداخله جویانه مدعی شده بود «نه جنبش سوسیالیسم به قدرت باز خواهد گشت نه اوو به بولیوی». حالا اما هم سوسیالیسم بازگشته و هم او درحال بازگشت است و آنان که رفتنی شده‌اند غربگرایان مورد حمایت واشنگتن هستند. سوسیالیست‌ها پس از پیروزی در انتخابات بر یک چیز تأکید دارند و آن هم اینک آنان بار دیگر توانسته‌اند با مقاومت خود دموکراسی و امید را احیا کنند. لوئیس آرسه رئیس‌جمهور منتخب در نخستین سخنرانی خود پس از اعلام نتایج اولیه و اعلام پیروزی‌اش گفت: «ما دموکراسی و امید را احیا کردیم. بولیوی بار دیگر به دموکراسی گره خورده است. ما تعهد خود برای همکاری با سازمان‌های اجتماعی را تصدیق کردیم و می‌خواهیم یک دولت وحدت ملی بسازیم.»

مورالس نیز در اظهارنظری درباره انتخابات اخیر کشورش با اشاره به پیام آمریکایی‌ها بر اینکه «نه جنبش سوسیالیسم به قدرت باز خواهد گشت نه اوو به بولیوی» اطمینان داد که این برنامه‌ها ایست که آنها در نظر دارند. مورالس با اشاره به برنامه ملی‌سازی و سپس صنعتی‌سازی بولیوی در دولت خود تأکید کرد به لطف اتحاد ملت بولیوی، گروه‌های افراطی راستگرا موفق به حذف جنبش پیش‌به‌سوی سوسیالیسم در این کشور نشدند.

فرمان آمریکای لاتین به چپ می‌چرخد

سهال گذشته میان جنبش و پایکوبی چپگرایان در آمریکای لاتین ناگهان مصیبتی دام‌نگیر سوسیالیست‌های لاتینی شد. درست در لحظه شادی پیروزی چپ‌ها در

انتخابات ریاست جمهوری آرژانتین، راستگرایان طرفدار غرب در بولیوی دست به کودتا علیه انتخاب مردم زدند. با این وجود کمتر از یک‌سال پس از این فجاجع، نیروهای مردمی بولیوی بار دیگر با پیروزی در انتخابات به قدرت بازگشته‌اند. برای بررسی وضعیت بولیوی با امیر تفرشی، کارشناس مسائل آمریکای لاتین گفت‌وگو کرده‌ایم. در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید.

نابار نتایج اولیه انتخابات بولیوی، لوئیس آرسه، وزیر اقتصاد دولت مورالس با کسب اکثریت آرا به ریاست جمهوری رسیده است. با توجه به کودتای سال ۲۰۱۹ و در دستگیری قدرت توسط غربگرایان با توسل به زور که حتی دست به کشتار معترضان طرفدار اوو مورالس زدند، چگونه غربگرایان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ در حالی که قدرت را در دست داشتند، حاضر به واگذاری آن شدند؟

در ابتدا باید به نکته‌ای درباره نتایج اعلام‌شده اشاره کنم. نتایج اولیه انتخابات تا این لحظه (دوشنبه) توسط نهاد‌های مسئول برگزاری انتخابات منتشر نشده است. نتیجه‌ای که درحال حاضر منتشر شده و طبق آرای لوئیس آرسه ۵۲ درصد محاسبه شده، بر اساس نظرسنجی یک موسسه بیطرف است. این موسسه البته مورد تأیید هر دو طرف انتخابات قرار دارد. در نظرسنجی صورت گرفته از ۱۵۰ هزار نفر نظرسنجی شده که برای رای دادن به مراکز رای دهی مراجعه کرده بودند. بر اساس این نظرسنجی نامزد سوسیالیست‌ها می‌تواند بیش از ۵۰ درصد آرا را کسب کرده و در دور اول پیروز انتخابات شود. در نظرسنجی‌هایی که پیش از انتخابات توسط موسسات مختلف برگزار شده بود نیز پیش بودن جریان مورالس، تأیید شده بود. باوجود این، دستیابی به رای بالای ۵۰ درصدی توسط سوسیالیست‌ها مورد تردید برخی از نظرسنجی‌ها قرار داشت. در عین حال چنین نظرسنجی‌هایی نیز گرچه آرای لوئیس آرسه را زیر ۵۰ درصد برآورد می‌کردند، اما با توجه به اینکه وی بیش از ۱۰ درصد از رقیب خود فاصله داشت و بر مبنای قوانین انتخاباتی وی را پیروز انتخابات پیش‌بینی می‌کردند. تا این لحظه [عصر دوشنبه] تنها ۱۶ درصد آرا به‌صورت رسمی ثبت شده و بعد است سازمان انتخابات بولیوی قبل از سه‌شنبه یا حتی چهارشنبه نخواهد آرای نهایی را تأیید کند. باوجود این، خانم خانیته آنیس که پس از کودتای اکتبر ۲۰۱۹ رئیس‌جمهور موقت بولیوی بوده، در تئوتیتی تلوچا پیروزی لوئیس آرسه را تریک گفته است. بر اساس این شاهد می‌توان گفت جریان مورالس در دور اول انتخابات به پیروزی دست یافته است.

درباره اینکه چگونه جریان غربگرا که با کودتا بر سر کار آمده و رضی به‌رها کردن قدرت خواهد شد باید گفت همین جریان در جریان کودتای اکتبر ۲۰۱۹، با استعفا مورالس، استنادش به تقلب در انتخابات بود. دستاویز تجزیه‌گر غربگرا در انتخابات

۲۰۱۹ جبهه‌جایی ۱/۵ درصد آرا بود، اما امروز این جریان درحالی که

خودش انتخابات را برگزار کرده است، دیگر نمی‌تواند به تقلب

اشاره کند و پیانه‌های انتخابات دیگر کارایی ندارد. فاصله

آرا نیز به میزانی است که راه هرگونه پیانه‌جویی را مسدود

می‌کند. این آرا نشانگر یک واقعیت در جامعه بولیوی

است. این واقعیت در طول حدود ۱۵ سال گذشته همواره

در انتخابات‌های متعدد، اثبات شده است. اکثریت جامعه

بولیوی همچنان اعتقاد ریزند خط‌مشی سیاسی و اقتصادی

پایه‌گذاری شده توسط مورالس که بر مبنای یک اقتصاد مستقل

و ملی است، بهترین مدل اداره بولیوی است. قاطبه مردم

طرفدار این ایده هستند، زیرا اکثریت مردم

بولیوسی از این سیاست‌ها منتفع

شده‌اند. بولیوی کشوری است

که با وجود دارا بودن منابع

عظیم انرژی و معادن بزرگ و

متعدد، اکثریتی فقیر دارد.

این کشور دومین کشور

صادرکننده گاز در آمریکای

لاتین است.

در دوران تسلط غربگرایان بر

بولیوی آنها منافع کشور را به خارج

منتقل می‌کردند و به همین دلیل

مردم از منابع کشورشان بهره‌چندان

به‌دست نمی‌آوردند. در این شرایط بیشتر

منافع بولیوی به شرکت‌های بین‌المللی و

دولت‌های خارجی می‌رسید. طعم تغییر

که مورالس در بولیوی ایجاد کرده، برای

مردم باقی‌مانده است. در یک‌سال اخیر

دولت کودتا در بولیوی نتوانست اقدامی

انجام دهد و سطح بیکاری در این کشور هشت درصد افزایش پیدا کرد. البته بحران کرونا هم باعث شد ناکامی و شکست کودتاچیان مسجل تر شود. با این وضعیت حزب به‌سمت سوسیالیسم که متشکل از وزیر اقتصاد و دارای مورالس به‌عنوان رئیس‌جمهور و وزیر خارجه او به‌عنوان معاون اول است، درحال بازگشت مجدد به قدرت است.

در جریان کودتای سال ۲۰۱۹ بولیوی نیروهای ارتش اعلام کردند بهتر است مورالس از قدرت کنار برود. دیگر نیروهای مسلح بولیوی نیز موضعی مشابه را اتخاذ کرده و تن به خواسته غربگرایان دادند. در این چند سؤال مطرح می‌شود؛ نخست منش و گرایش ارتش در بولیوی است. آیا نیروهای مسلح بولیوی تحت سیطره سفیدپوستان و غربگرایان قرار دارند؟ آیا مورالس در دوران حکومت خود دست به تغییرات در ارتش زده بود؟ آیا حزب سوسیالیست بولیوی دست به تغییرات نرم در ارتش خواهد زد؟

درباره ایجاد گروه‌های مسلح مردمی باید گفت ساختار اجتماعی بولیوی اصلاً قابل مقایسه با ونزوئلا نیست. بنابراین لزوماً نوع اقداماتی که در یک کشور آمریکای لاتین انجام شده، در کشور دیگر این منطقه کارساز نیست. این دو کشور مشابهت اجتماعی ندارند و ساختار طبقاتی و فرهنگی این دوتایی متفاوت است. نکته دوم اینکه اساس همه ارتش‌ها در آمریکای لاتین با توجه به ساختاری که از گذشته داشته‌اند، عمدتاً راستگرا است. ژنرال‌های ارتش و نیروهای باسابقه ارتش‌های آمریکای لاتین به دلیل آنکه عمدتاً در مدارس و آموزشگاه‌های آمریکایی تحصیل کرده‌اند یا حداقل برخی از دوره‌های آموزشی را در این کشور گذرانده‌اند، راستگرا هستند.

نکته سوم آنکه مورالس برخلاف آنچه درباره بی‌توجهی او به تغییر ساختار ارتش گفته می‌شود، تقریباً به‌صورت ثابت هرسال فرماندهان ارشد نظامی کشور را عوض می‌کرد. مسئولیت‌هایی مانند فرمانده ارتش، فرمانده پلیس و... همواره در حال تغییر بودند. اینگونه نبود که افراد در این مسئولیت‌ها به‌صورت طولانی باقی بمانند و بتوانند توسط طولانی‌مدتی ارتدارک ببینند. این اقدام هم بر اساس تجربیاتی بود که مورالس از دیگر کشورها فرا گرفته بود. در سال گذشته چیزی که اتفاق افتاد این بود که نیروی پلیس و نه ارتش، از دستورات سرپیچی کرد. ارتش تا روزی که مورالس کشور را ترک کرد، جانب طرفی را نگرفت و بی‌طرف ماند. حتی کودتاگران ادعای می‌کردند ارتش درحال سرکوب اعتراضات آنهاست. مساله این بود که مورالس در آن مقطع تشخیص داد تداوم حضورش در قدرت و حتی باقی ماندنش در کشور اولاً می‌تواند باعث کشتار و خونریزی بیشتر شود و ثانیاً بر اساس شناختی که او از کشورش داشت، تشخیص داد از قدرت خارج شود و مجدداً تلاش کند از طریق فرآیند دموکراتیک به قدرت بازگردد، زیرا او به پشتوانه مردمی خود اطمینان داشت. صحت این تشخیص را می‌توان درحال حاضر مشاهده کرد. مشخص بود که نیمی از مردم بولیوی قطعاً حامی مورالس هستند. این پشتوانه مردمی برای مورالس درحالی به‌دست آمده بود که تمام تلاش مخالفان این بود تا با کارشکنی پشتوانه مردمی سوسیالیست‌ها را از بین ببرند یا تضعیف کنند. مخالفان حتی در میان صفوف طرفداران رئیس‌جمهور نفوذ کرده و سعی کردند بین احزاب و جریانات سرخپوست بومی بولیوی اصطکاک ایجاد کنند، اما کاری از پیش نبردند.

بازگشت سوسیالیست‌ها تلاش‌های را تغییر در نیروهای مسلح بولیوی تشدید خواهد شد؟

طبعتاً زمانی که سوسیالیست‌ها قدرت را در دست بگیرند، بر اساس مقتضیات دست‌به‌اصلاحاتی در سطوح سیاسی و اقتصادی خواهند زد. بولیوی درحال حاضر در حوزه اقتصاد با مشکلات شدیدی روبه‌رو است.

لوئیس آرسه با شعار اول مردم در انتخابات شرکت کرد و اعلام کرد مسائل مربوط به مردم اولویت خواهد بود. آرسه پس از در اختیار گرفتن پست ریاست‌جمهوری با بحران کرونا و پیامدهای آن بر سلامت مردم و بیکاری روبه‌رو است. طبیعتاً سوسیالیست‌ها تغییراتی نیز در حوزه نظامی بر اساس تجربیات یک‌سال اخیر خواهند داشت.

تشکیل گروه‌های نظامی مانند آن چیزی که در ونزوئلا اتفاق افتاد، ممکن نیست. در ونزوئلا دولت موفق شد نیروهای نظامی میلیونی بولیواری را تشکیل دهد، اما چنین اتفاقی به دلیل ساختار متفاوت اجتماعی بولیوی قابل پیاده‌سازی در این کشور نیست. حزب مورالس که مس‌نام دارد و سه طرفداران آن سیست می‌گویند،

دارای جریاناتی نظامی در درون خود است. حتی پس از کودتا جریان غربگرا این گروه‌ها را متهم به خرابکاری می‌کرد. این گروه‌های نظامی در مقاطعی نیز دست به مسدودسازی و بستن مسیرهای حمل‌ونقل در بولیوی زدند. البته ساختار گروه‌های نظامی چپگرای بولیوی مانند ونزوئلا رسمی نیست، اما به‌رحال مورالس از چنین ظرفیت‌هایی برخوردار است.

در سال‌های اخیر شاهد برکناری چپگرایان در کشورهای آمریکای لاتین در انتخابات‌ها یا با توسل به زور بوده‌ایم؛ همانند اتفاقات بولیوی یا برکناری دیلما روسف در برزیل و افزایش فشار به ونزوئلا. با اینحال پس از مدتی کوتاهی بار دیگر چپ‌ها از طریق قانونی در کشورهایی مانند آرژانتین، مکزیک و بولیوی بازگشته‌اند. آیا می‌توان گفت چپگرایی به‌اندیشه‌ای غالب در آمریکای لاتین تبدیل شده است؟

آن چیزی که در ایران به‌عنوان چپ می‌شناسیم و درباره آن بحث می‌کنیم، لزوماً شبیه جریانات چپگرای آمریکای لاتین نیست. در آمریکای لاتین از جریانی که هم‌سو با آمریکانیاشد و راستگرایی اقتصادی نداشته باشد، به‌عنوان چپ‌یاد می‌شود. چپگرایان آمریکای لاتین بیش از آنکه بخواهند چپ باشند و آموزه‌های اقتصادی سوسیالیستی را بخواهند در کشورشان پیاده کنند، جریاناتی ملی و ناسیونالیستی هستند که زیر بار دستورالعمل‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نمی‌روند. گروه‌های سیاسی سرخپوستان بومی‌ها و گروه‌های قومی، جنبش‌های ملی و جنبش‌های محیط‌زیستی در آمریکای لاتین چپ‌نایمده می‌شوند. هر گروهی که در آن همراهی با آمریکا، کشورهای شمال و دستورالعمل‌های بین‌المللی پول نباشد، چپ‌نایمده می‌شود. در بولیوی، مورالس اساساً نظامی سوسیالیستی پیاده‌نکرده است. اگرچه حزب مورالس عنوان به‌سوی سوسیالیسم دارد، اما قواعد سوسیالیسم را در بولیوی اجرا نکرده است. مالکیت به هیچ‌عنوان در این کشور محدود نشده است. بخش خصوصی بولیوی از سال ۲۰۰۶ که مورالس به قدرت رسید، همواره در پروژه‌های بزرگ ملی نقش داشته است. فعالیت بخش خصوصی و مالکیت بخش خصوصی در بولیوی که مورالس و حزب به‌سمت سوسیالیسم در آن حکومت داشته، همواره در جریان بوده است. بهتر است بگوئیم گروه‌های چپگرای آمریکای لاتین دنبال اجرای ایده‌هایی بوده‌اند که از «تئولیبرالیسم» فاصله دارد؛ یعنی به دنبال دخالت دولت در ساماندهی اقتصاد ملی هستند و اینگونه نیست که بخواهند نقش دولت را در هدایت اقتصاد کم‌رنگ کنند. چپگرایان آمریکای لاتین هم‌زمان نیز به دنبال ارائه خدمات اجتماعی به مردم به‌صورت ارزان یا رایگان هستند، چیزی که دولت‌های راستگرا مخالف آن هستند.

عالم مردم مدل‌های اداره دولت توسط گروه‌های چپ آمریکای لاتین را مدل‌های مفیدتری برای اداره کشور تشخیص داده‌اند. طبقات ضعیف این منطقه از منافع کشور در زمان چپگرایان بهره‌مندتر شده و زندگی راحت‌تری داشته‌اند. به همین دلیل به‌رغم نواقص دولت‌های چپگرا حامی و طرفدار آنها هستند. طبقات اجتماعی غربگرا که طبقاتی مالی بالای جامعه به حساب می‌آیند، مخالف اقدامات چپگرایان هستند، زیرا می‌گویند دولت در حقیقت ثروت عمومی را توزیع می‌کند و چون طبقات ضعیف جمعیت بیشتری دارند، نفع بیشتری از این توزیع می‌برند و طبقات بالا از بهره‌کمرتری برخوردار می‌شوند. جمعیت این گروه نیز در کشورهای آمریکای لاتین متفاوت است و گاهی در کشوری مانند ونزوئلا تعداد این اعضا با مخالفان شان ۵۰۰ به ۵۰ است. در آرژانتین نیز همین‌گونه است. جریان چپگرایان حتی گاهی با یک درصد رای بیشتر دولت را به‌دست می‌آورند. نکته مهم این است که قشر ضعیف که بیش از نیمی از این کشورها را تشکیل داده‌اند، طعم شیرین خدمات و توزیع ثروت را چشیده‌اند.

در جایی مثل برزیل نیز در نظرسنجی‌های پیش از آخرین انتخابات ریاست جمهوری لولا داسیلوای چپگرا فاصله‌اش با بولسوارانو راستگرا ۱۵ تا ۲۰ درصد بود. برای او اتهامات اقتصادی درست کردند و او را به زندان انداختند و اجازه ندادند در انتخابات ثبت‌نام کند، و گزینه راستگرایان در برزیل نیز به‌قدرت نمی‌رسیدند. چنین اتفاقی در سال گذشته می‌توانست در آرژانتین نیز رخ دهد. خانم کریستینا فرناندز که گزینه اصلی چپگرایان آرژانتینی بود، حدس زد که احتمال دارد مانع از شرکتش در انتخابات شوند، زیرا پرونده‌های گشوده‌ای در دادگاه داشت؛ حدسی که درست از آب درآمد، به همین دلیل فرد دیگری را انتخاب کردند که وی توانست در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شود. در ماه خارس نیز ما شاهد برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری اکوادور خواهیم بود که احتمال پیروزی چپگرایان در آن وجود دارد. البته چپ‌ها سال پیش نیز جریان چپ در انتخابات پیروز شد، اما خیانت رئیس‌جمهور برگزیده باعث شد کشور به‌سمت راستگرایی برود. درحال حاضر بیشترین آرا بر اساس نظرسنجی‌ها به نفع چپگرا در اکوادور است و پیش‌بینی می‌شود بار دیگر فرمان در این کشور نیز به‌سمت چپ برگردد.

مدرک فارغ التحصیلی موقت اینجناب محسن رحمانی فرزند محمود به شناسنامه شماره ۱۷۰۷۰ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق مفقود گردیده و فاقد اعتبار است از باینده تقاضای می‌شود گواهینامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق به نشانی: استان مرکزی- دلجان- نراق- خیابان امام خمینی- کیلومتر ۲ جاده کاشان- دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق کدپستی ۵۸۷۱۹۳۷۹۶ ارسال نماید.



مفقودی: سند کمپانی، برگ سبز. موتورسیکلت سیستم: برمودا تیپ: CDI ۱۲۵ رنگ: قرمز مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ایران ۸۲۸/۹۹۵۶۴/۹۹ شماره موتور: 0125N3L121469 شماره تنه: N3L***125A9500943 به نام آقای رحیم بودات به کد ملی ۲۷۹۲۶۹۰۲۳۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.



برگ سبز خودرو تپبا سواری مدل ۹۸ به رنگ سفید - روغنی شماره موتور M158726718 و شماره شاسی NAS811100K5837331 و به شماره پلاک ۱۴ - ۵۴۶ هـ ۹۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.



برگ سبز، کارت بنزین و کارت خودرو پراید سواری 131EX مدل ۹۲ به رنگ سفید - روغنی به شماره موتور 4867247 و به شماره شاسی NAS411100D1243886 و به شماره پلاک ۱۴ - ۷۳۴- ۴۲ به نام حمیده قرباوی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.